

تئوری ترجمه در غرب (۴)

داگلاس رابینسون
ترجمه عبدالله کوثری

جروم (دنباله از شماره قبل)

آیا سزاوار است متی را متهم کنید که در ترجمه خیانت ورزیده است؟ چرا که ترجمه او نه با متن اصیل عبری موافق است و نه با متن یونانی هفتادی. اما از این بتر آن که می توان دعوی کرد که متی حتی نویسنده را هم به خطا گرفته و این نوشته را به جای ذکر یا به ار میا نسبت داده است.

لیک دور باد از جروم که از پیرو مسیح این گونه سخن بگوید. حقیقت، باری، این است که متی همت بر آن نهاده بود که از آن نوشته حکمی و اصلی بیرون آرد و آن را به جامه کلام بیاراید، نه آن که از پی الفاظ و هجاها پای بفرساید.

حال، تا این سخن بر توروشن گردانم، مثالی دیگر از ذکر یا می آرم که یوحنا آن را از متن عبری نقل کرده است "آن کسی را که نیزه زدند خواهند نگر نیست." [یوحنا ۱۹:۳۷ ذکر یا ۱۲:۱۰] این عبارت در ترجمه هفتادی چنین است: "و آنان به من خواهند نگر نیست، چرا که مرا به تمسخر گرفته اند." و در ترجمه ما بدین گونه آمده "و آنان به من خواهند نگر نیست به خاطر آن چیزهایی که تمسخر کرده یا به آن اهانت روا داشته اند." این سه روایت، چنان که می بینی، مختلف اند، اما تفاوت ظاهری عبارات با یگانگی روح [و معنی] از میان بر می خیزد.

جایی دیگر در انجیل متی می خوانیم که خداوندگار ما مسیح حواریون خود را از لغزش ایشان خبر می دهد و این گفته را شاهد سخن خود می آرد که "مکتوب است که شبان را می زنم و گوسفندان گله پراکنده خواهند شد." [متی ۲۶:۳۱، ذکر یا ۱۳:۷]. این کلام هم در ترجمه هفتادی و هم در متن عبری به گونه ای دیگر آمده است، زیرا بر خلاف آنچه نویسنده انجیل آورده آن کس که سخن می گوید خداوند نیست، بلکه رسول اوست که از خداوند پدر می خواهد "شبان را بزنی و آنگاه گوسفندان گله پراکنده خواهند شد." رای من این است — و مفسران خردمند نیز با من همراهند — که در اینجا نویسنده انجیل به سبب خطایی که کرده مقصر است و آن نسبت دادن کلام نبی به خداوند است. مثالی دیگر این که همین نویسنده یعنی متی می نویسد که یوسف با هشدار فرشته، طفل نوزاد و مادر او را برداشت و به مصر سفر کرد و تا هنگام مرگ هرود در مصر بماند. بنابر گفته متی این رویدادها بدان سبب واقع شد تا کلام خدا که از زبان هوشع نبی بیان شده بود تمام گردد که "از مصر پسر خود را خواندم" [متی ۲:۱۵ به نقل از هوشع ۱:۱۱]. نسخه لاتینی این نقل قول را بدین گونه بیان نمی کند، زیرا متن عبری بدین گونه از کتاب هوشع نقل کرده است: "هنگامی که اسرائیل طفل بود او را دوست

داشتیم و پسر خود را از مصر خواندم. این کلام در ترجمه هفتادی چنین آمده "هنگامی که اسرائیل طفل بود او را در آن زمان دوست داشتیم و پسرانش را از مصر خواندم." اکنون، آیا رواست که این ترجمه‌ها را نامعتبر شماریم بدان سبب که قطعه‌ای راجع به اسرار مسیح را دیگر کرده‌اند؟ یا بهتر آن است که بر خطای مترجمان چشم ببوشیم که می‌دانیم آدمی خطا پذیر است.

مثالی دیگر می‌آورم تا کلام خود روشن گردانم. در انجیل متی می‌خوانیم: "و آمده در بلده مسمی به ناصره ساکن شد تا آنچه به زبان انبیا گفته شده بود تمام شود که به ناصری خوانده خواهد شد." [متی ۲:۲۳] حال بگذار، آن کسانی که تنها فصیح‌ترین عبارات را می‌پسندند و آن خرده گیران تنگ‌نظر که بر هر نوشته‌ای که انتشار یابد انگشت می‌نهند با ما بگویند که عبارت نقل شده در انجیل متی را نخستین بار در کجا خوانده‌اند. آیا می‌توانند؟ نه نمی‌توانند. پس بگذار تا من ایشان را آگاه کنم که مأخذ این کلام کتاب اشعیا است، و این فراز از آن کتاب چنین ترجمه می‌شود "و نهالی از تنه یسی بیرون آمده شاخه‌ای از ریشه‌هایش خواهد شکفت" در متن عبری این سخن بدین گونه آمده است: "از تنه یسی شاخه‌ای خواهد روید و ناصری از ریشه او خواهد روید." [اشعیا ۱:۱۱]. چگونه است که ترجمه هفتادی لفظ ناصری را حذف کرده؟ از چیست که نشانند لفتی به جای لغت دیگر منع نشده است؟ همانا که پنهان کردن یا نادیده انگاشتن اشارت رمزآمیز خداوند در حکم بی‌حرمتی به آن است.

بهتر آن که باز مثالهایی دیگر بیاورم. مجال اندک این نامه مرا باز می‌دارد از این که بر نکته‌ای واحد چندین درنگ کنم.

همان متی در جایی دیگر چنین می‌گوید "و این همه برای آن واقع شد تا کلامی که خداوند به زبان نبی گفته بود تمام گردد که اینک با کره آبستن شده پسری خواهد زائید و نام او را عمانوئیل خواهند خواند^۱ که تفسیرش این است: خدا با ما. [متی ۲۳-۲۲:۱، اشعیا ۷:۴]. یعنی، یهو احاز^۲ این پسر را به این نام نمی‌خواند، چرا که یهو احاز به نداشتن ایمان راستین شهره بود، و نیز یهودیان این پسر را به این نام نخواهند خواند چرا که سرانجام خداوندگار ما عیسی مسیح را انکار کردند، بلکه خود با کره که او را بار می‌گیرد و می‌زاید نام بر او خواهد نهاد.

اختلافاتی بزرگتر نیز در جایی دیگر از انجیل متی می‌یابیم - یعنی در آنجا که می‌خوانیم هرود از آمدن مجوسان برآشفته شد و کاتبان و کاهنان را گرد آورد و از ایشان خواست تا به او بگویند که مسیح کجا می‌بایست متولد شود. بنابر نوشته متی آنان چنین پاسخ دادند: "در بیت لحم یهودیه زیرا که از نبی چنین مکتوب است: و تو ای بیت لحم در زمین یهودا از سایر سرداران یهودا هرگز کوچکتر نیستی زیرا که از تو پیشوایی به ظهور خواهد آمد که قوم من اسرائیل را رعایت خواهد نمود." [متی

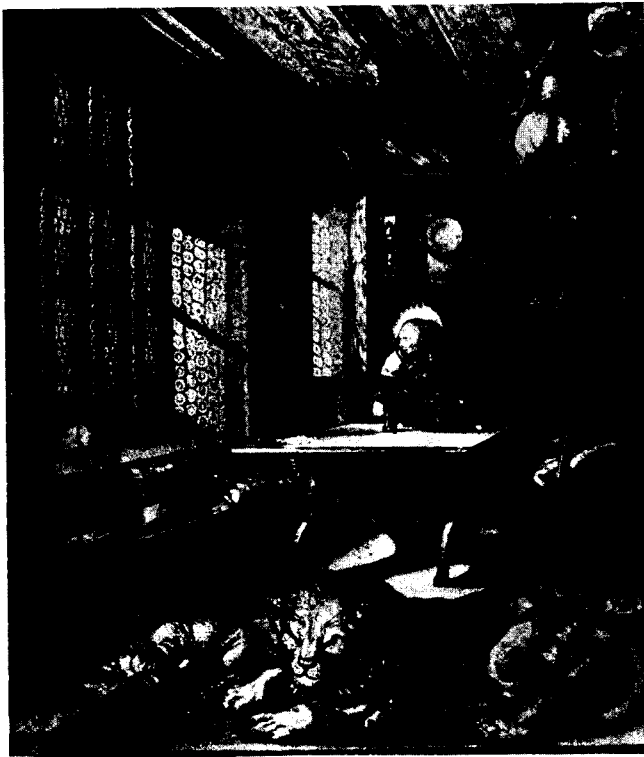
۱- در متن انگلیسی که این مقاله نقل کرده چنین آمده: and she shall call Him Emmanuel and they will call Him Immanuel و در ترجمه فارسی کتاب مقدس که همه موارد را از آن نقل کرده‌ایم در انجیل متی چنین است که ما در متن آوردیم: خواهند خواند. اما در همین ترجمه در کتاب اشعیا چنین می‌خوانیم: و نام او را عمانوئیل خواهد خواند. مترجم
۲- از پادشاهان بنی اسرائیل

۶-۲:۵]. در ترجمه یونانی این قطعه چنین آمده "و تو ای بیت لحم، خانه افراته، پاره ای کوچک هستی در میان هزاران پاره یهودیه، اما از تو کسی برای من ظهور خواهد کرد که پادشاه اسرائیل خواهد شد." ای پاما کیوس شگفتی تو از اختلاف میان متن انجیل متی و ترجمه یونانی هفتادی بیشتر خواهد شد اگر به متن عبری رجوع کنی که چنین است "و تو ای بیت لحم افراته، هر چند میان هزاران پاره یهودیه کوچک هستی، از تو کسی برای من ظهور خواهد کرد که بر اسرائیل حکم خواهد راند." حال در عبارت نویسنده انجیل لفظ به لفظ نظاره کن: آنجا که او "زمین یهودا" آورده در متن عبری "افراته" آمده و متن یونانی چنین است "خانه افراته". همچنین عبارت "از سایر سرداران یهودا هرگز کوچکتر نیستی" که در متی آمده در ترجمه هفتادی بدل می شود به "پاره ای کوچک هستی در میان هزاران پاره یهودیه"، اما همین عبارت در اصل متن عبری چنین است "اگر چه در هزاره های یهودا کوچک هستی" (میکاه ۵:۲) در اینجا میان متن متی و اصل کلام نبی و نیز روایت یونانی که در اینجا با متن عبری سازگار است، تعارضی هست که محدود به کلمات نمی شود. ای پاما کیوس نیک بنگر که متی می گوید او در میان سرداران یهودا کوچک نیست، حال آنکه متن اصلی درست برخلاف این متن است: "هر چند میان هزاران پاره یهودا کوچک هستی، از تو کسی برای من ظهور خواهد کرد که بر اسرائیل حکم خواهد راند." این کلام همانا مضمونی مشابه با گفته پولس حواری دارد که می گوید: "و خدا ناتوانان عالم را برگزید تا توانایان را رسوا سازد." [رسالة اول به قرن تیان ۱:۲۷] و سرانجام، آخرین عبارت متی "که قوم من اسرائیل را رعایت خواهد نمود" نیز با اصل کلام نبی اختلافی آشکار دارد. اما من این مثالها بدان نیاوردم که نویسندگان انجیل را به جعل و تحریف متهم کنم. غرض آن بود که کاستیهای دانش خرده گیران را به ایشان بنمایم، خاصه در آنجا که نص کلام در میان است و اینان، خواه ناخواه، باید به آنچه از حواریون در انجیل آمده است تسلیم شوند. یک دو مثال دیگر دعوی مرا نیک اثبات خواهد کرد. مرقس، شاگرد پطرس، انجیل خود را چنین آغاز می کند. "ابتدای انجیل عیسی مسیح پسر خدا، چنان که در اشعیا نبی مکتوب است اینک رسول خود را پیش روی تو می فرستم تاراه تو را پیش تو مهیا سازد. صدای ندا کننده در بیابان که راه خداوند را مهیا سازید و طرق او را راست نمایید." [مرقس ۳-۱:۱]. لیک در اینجا کلام دو رسول متفاوت در یک کلام واحد نقل شده است. نیمه نخست "اینک رسول خود را پیش تو می فرستم" از کتاب ملاکی نبی است و نیمه دوم که صدای ندا کننده در بیابان را شرح می دهد از کتاب اشعیاست. [ملاکی ۳:۱، اشعیا ۴۰:۳]. حال، مرقس بر چه اساس کلام دو نبی را به اشعیا نسبت داده است؟ پاسخ این مسأله ناچیز غفلت و بی خبری است، و اگر این پاسخ بسنده باشد، من به نوبه خود به خاطر راهی که در ترجمه نامه ایپیفانیوس پیش گرفتم پوزش می طلبم.

در جای دیگر همین مرقس کلام نجات دهنده را خطاب به فریسیان پیش ما می نهد "او بدیشان گفت مگر هرگز نخوانده اید که داود چه کرد آنگاه که او و رفقاییش محتاج و گرسنه بودند. چگونه در ایام ایباتار رئیس گهنه به خانه خدا در آمده نان تقدّمه را خورد که خوردن آن جز به کاهنان روا نیست. [مرقس ۲۶-۲۵:۲] اگر به مأخذ این روایت در سموئیل رجوع کنیم، در می یابیم که نام رئیس گهنه

ایباتار نه که اخیملک بوده و او همان است که بعدها با دیگر کاهنان به فرمان شائول کشته شد (اول سموئیل ۱: ۲۱-۱۸، ۱۶-۲۲).

خُرده خطایی نیز از پولوس حواری سرزده است. او به قرن‌تیان می‌نویسد: "زیرا اگر می‌دانستند خدواند جلال را مصلوب نمی‌کردند. بلکه چنان که مکتوب است چیزهایی را که چشمی ندید و گوشی نشنید و به خاطر انسانی خطور نکرد، یعنی آنچه خدا برای دوستداران خود مهیا کرده است." [رساله اول به قرن‌تیان ۹-۲۸] برخی از مفسران انجیل بر آن‌اند که مأخذ آنچه پولوس نقل کرده لاطائلات



تسویری از جروم مقدس در اتاق مطالعه‌اش که توسط دورر کنده کاری شده است. دورر جروم را با نمادهایی که عموماً با او مرتبط می‌دانستند، یعنی شیر و کلاه کاردینالی، ترسیم کرده است.

کتابهایی مشکوک است. اما راست خواهی مأخذ این کلام اشعیا است، زیرا که در متن عبری چنین آمده: "زیرا که از ایام قدیم نشنیدند و استماع نمودند و چشم خدایی را غیر از تو که برای منتظران خویش بپردازد ندید. [اشعیا ۴: ۶۴]. در ترجمه هفتادی این قطعه تغییری نمایان یافته "که از همان آغاز گوش ما نشنید و چشم ما ندید خدایی غیر از تو و کرده‌های راستین‌ات، و تو رحمت خواهی آورد بر آنان که منتظران تواند." حال که مأخذ اصلی این قول را دانستیم، درمی‌یابیم که پولوس این متن را لفظ به لفظ ترجمه نکرده بلکه تفسیر آن را به قالب کلمات دیگر در آورده است.

دیگر از خطاهای نمایان در نقل قول، خطای استقاف، نخستین شهید مسیحی است در آنجا که داستانی را در مجلس یهودیان، روایت می‌کند:

(استفان چنین می‌گوید) پس یعقوب با هفتاد و پنج نفر به مصر فرود آمده او و اجداد ما وفات یافتند و ایشان را به شکیم برده در مقبره‌ای که ابراهیم از پسران حمور خریده بود دفن کردند.

[اعمال رسولان ۱۶-۱۵:۷]

اما می‌بینیم که در کتاب پیدایش داستان یکسره چیز دیگری است. در آنجا ابراهیم مغاره‌ای را با زمینی مجاور آن از عفرون پسر صوحار از طایفه بنی حت می‌خرد و ساره زوجه خود را در آنجا دفن می‌کند. اما یعقوب آنگاه که با همسران و پسرانش از بین‌النهرین باز می‌گردد در شهر شکیم در سرزمین کنعان فرود می‌آید و در آنجا زمینی از بنی حمور پدر شکیم به صد بره می‌خرد. و در آنجا مذبحی به نام خدای اسرائیل بنا می‌کند. [پیدایش ۲۰-۱۸:۳۳] پس روشن است که استفان شهید خطا کرده است: ابراهیم زمینی از عفرون و نه از بنی حمور خرید، ابراهیم نه در شکیم که در حبرون دفن شد.

باری خرده‌گیران بر من باید بدانند که در کار کتاب مقدس باید جوهر و معنی را پیش چشم داشت نه ظاهر الفاظ را.

مثالی دیگر این نکته را روشن تر می‌گرداند. متن عبری مزموور بیست و دوم با کلماتی آغاز می‌شود که عیسی مسیح بر صلیب به زبان می‌آرد: "ایلی ایلی لَمَا سَبَقْتَنِي (الهی الهی چرا مرا ترک کردی؟)" [مزموور بیست و دوم: ۱، متی ۲۷:۴۶، مرقس ۱۵:۳۴]. شاید عیب جویان دانای من بتوانند بر من روشن گردانند که چرا ترجمه یونانی در اینجا عبارت "بر من فرونگر" را بعد از ندای "الهی الهی" در این کلام جای داده است. همانا می‌دانم که ایشان خواهند گفت، افزودن این چند لفظ لطمه‌ای بر معنی نزده است. اگر چنین است، ایشان بدانند که اگر من در شتابی که در ترجمه نامهٔ اپیفانیوس داشته‌ام در اینجا و آنجا لفظی را حذف کرده‌ام جایگاه کلیسا را هرگز به مخاطره نینداخته‌ام.

پاما کویس عزیز، این نامه بی‌گمان بیش از آنچه بایست به درازا کشید، اما بدان که شرح آزرده‌گی من، بس دراز تر از این است. هر چند که مرا دروغگو خوانده‌اند و در خیاط خانه‌های زنان پاره پاره کرده‌اند، به این بسنده می‌کنم که تهمت ایشان بی‌اعتبار گردانم و بیش در پی کین جویی نباشم، من همه چیز را به داوری تو وامی‌گذارم. اگر رای تو این باشد می‌توانی اصل نامهٔ اپیفانیوس و نیز ترجمهٔ مرا بخوانی، و اگر چنین کنی بی‌گمان ارزش تهمت‌های مدعیان من بر تو روشن خواهد شد. لیک، فراتر از هر چیز، من شادمان خواهم شد اگر چیزی به دوستی عزیز آموخته باشم، و خود خرسند به آن‌ام که تا روز داوری در کنج عزلت خویش در بیت‌اللحم روزگار بگذرانم. اگر مدعیان بگذرانم امید دارم که از این پس برای تو نه از این گونه شکوه‌نامه‌ها که تفاسیری سودمند بر کتاب مقدس بنویسم. □